

نقش مردان ایرانی در تداوم تبعیض‌های جنسیتی علیه زنان

Photo: grigvovan/depositphotos.com

جلال یعقوبی

استمرار و بقای بخش بزرگی از نابرابری‌های جنسیتی در ایران به دلیل منافی است که جامعه مردان از این وضعیت به دست می‌آورد. تجربه طولانی استقرار حکومت مذهبی در ایران و حاکمیت قوانین فقهی در حوزه احوال شخصیه، تبعیض جنسیتی را به پدیده‌ای عادی و طبیعی در ایران تبدیل کرده و غیراخلاقی بودن و ناهنجاری آن را از یادها برده است.

امروز تبعیض گسترده علیه زنان، از پوشش و سبک زندگی تا آموزش و درمان و کار و همچنین حقوق اساسی مربوط به ازدواج و زناشویی و حتی ارث و دیه را دربرگرفته و زندگی فردی و اجتماعی آنان را تحت تاثیر قرار داده است.

اما سرکوب زنان و تبعیض ساختاری علیه آنان که با حاکمیت فقیهان گسترش چشم‌گیری یافته، بدون همراهی مردان ممکن نبوده و اکثریت مردان ایرانی که همواره از این تبعیض منتفع شده‌اند، با گذشت زمان به آن عادت کرده و از بقای آن استقبال می‌کنند.

[به کانال تلگرام خانه امن بپیوندید.](#)

نباید فراموش کرد که مردان اگر مخالف این وضعیت باشند، می‌توانند بخشی از تبعیض‌هایی را که در قوانین فقهی (و قوانین مدنی) وجود دارد و به مرور تبدیل به «حق» برای آنان شده است کنار بگذارند. برای نمونه قوانین مربوط به ارث یا طلاق از جمله مواردی هستند که مردان می‌توانستند از تحقق تبعیض جنسیتی در آن جلوگیری کنند.

البته با توجه به تجربه گذشته باید گفت امیدواری به جلوگیری داوطلبانه از تبعیض در حالی که قانون از آن حمایت می‌کند و همواره به سود یک طرف ماجرا موضع می‌گیرد، واقع‌بینانه نیست.

از طرفی، تغییر قوانین نیز تا زمانی که توان اجتماعی و سیاسی نیروهای مخالف تبعیض بر هژمونی و سلطه هواداران تبعیض غلبه نکند، ممکن نخواهد بود.

مسئولیت مردان در مسیر برابری

با توجه به این واقعیت، همراه کردن مردان با خواست برابری جنسیتی می‌تواند یکی از قدم‌های مهم برای تضعیف ساختار سلطه و در نتیجه باز شدن راه برای تغییر باشد.

مسئولیت مردان در تحقق این برابری و رفع تبعیض از زنان، هم مسئولیتی اخلاقی است و هم مسئولیتی اجتماعی، اما متأسفانه باید اعتراف کرد تحولی جدی در این زمینه، دور از انتظار است.

بر اساس تحقیقی که سال ۵۸۳۱ منتشر شده، ساختارهای «نابرابری جنسیتی» به دلیل قدرت بیشتری که به مردان داده‌اند، در سال‌های آینده نیز همچنان برجا خواهند ماند.

طبق این تحقیق، «تقسیم کار کلان جامعه ایران بر اساس جنسیت است و این امر به مردان قدرت بیشتری برای تامین منافع خود اعطا می‌کند.»

از طرفی «بخش اعظم جامعه ایران، تعاریف سنتی از نقش‌های زن و مرد را پذیرفته‌اند و نظام قدرت و تقسیم کار در قالب ارزش‌ها، هنجارها و قوانین مدون به نفع مردان مشروعیت یافته‌اند.»

در نتیجه: «به طور کلی، نظام نابرابری جنسیتی در ایران از طریق فرآیند جامعه‌پذیری جنسیتی، بازتولید می‌شود و همچنان به بقای خود ادامه خواهد داد.» [نابرابری جنسیتی در ایران (بقا یا تغییر)، عباس لهسایی‌زاده، مجله جامعه‌شناسی، بهار ۵۸۳۱، شماره ۵، ص ۷۴]

این تحقیق همچنین نشان می‌دهد منافع مردان تا چه اندازه در فرودستی زنان تامین شده و به همین دلیل اجازه رشد از زنان گرفته شده است.

بیشتر بخوانید:

[راهنمای «فرهنگ تجاوز» برای مردان محترم](#)

[مفهوم ناموس و نقش آن در خشونت علیه زنان: یک پژوهش علمی](#)

[تأثیر فقه در نابرابری جنسیتی و خشونت خانگی](#)

چنانچه تحقیقات جزئی‌تر نیز بررسی شود، نقش مردان در قوام ساختار تبعیض آشکارتر خواهد شد.

مطابق تحقیق دیگری که سال ۶۹۳۱ در یک مجله وابسته به مجتمع آموزشی زنان پلیس منتشر شد، گرچه میزان تولید نابرابری جنسیتی در بین خانواده‌های سنتی و مدرن مورد مطالعه متفاوت بود و سهم خانواده‌های سنتی بیشتر به نظر می‌آمد، اما خانواده‌های مدرن هم در تولید این نابرابری‌ها سهم بزرگی داشتند.

در این تحقیق نیز جامعه‌پذیری جنسیتی به ایدئولوژی مردسالاری و سلطه‌جویی مردان مرتبط بود.

نتیجه‌نهایی این تحقیق که در شهرستان گرمسار انجام شد، این بود: «تولید نابرابری جنسیتی در بین خانواده‌های شهر گرمسار عمومیت داشته و این نابرابری در بین خانواده‌های سنتی از شدت بیشتری برخوردار است.»

البته میانگین نابرابری جنسیتی در این تحقیق آن‌قدر به هم نزدیک بود که تفاوت چندان معنی‌داری را نشان نمی‌داد. بر این اساس میانگین نابرابری جنسیتی در خانواده‌های سنتی حدود ۵۹ درصد و در خانواده‌های مدرن ۲۹ درصد بود. [بررسی عوامل موثر بر تولید نابرابری جنسیتی در بین خانواده‌های شهر گرمسار، فائزه قنبری، مجله پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده، بهار و تابستان ۶۹۳۱، صص ۹۶ و ۸۷]

اهمیت نتایج این پژوهش در آن بود که نشان می‌داد بازتولید نابرابری‌های جنسیتی و سرکوب زنان در خانواده‌های مدرن نیز به همان گستردگی خانواده‌های سنتی است و این تصور نادرست که این نابرابری‌ها تنها ریشه در باورهای سنتی دارند، چندان قابل قبول به نظر نمی‌رسد.

مسئله اصلی همین است که فرودستی زنان در ایران که طی چند دهه پس از حکومت مذهبی به صورت ساختاری و قانونی هم درآمده، ریشه‌های عمیقی در فرهنگ مردسالار جامعه ایران دارد: فرهنگی که تنها به بخش سنتی آن مرتبط نیست. در واقع نفعی که مردان (هم سنتی و هم مدرن) از سرکوب زنان و تبعیض علیه آنان برده‌اند، آن‌چنان است که بدون توجه به خاستگاه طبقاتی یا ایدئولوژیک آنها، اکثریت مردان همچنان خواستار ادامه این وضعیت هستند.

از این جهت است که برای توضیح و فهم وضعیت بغرنج زنان در ایران و ساختار تبعیضی که هر روز گسترده‌تر می‌شود، نهادن همه مسئولیت بر عهده حکومت فقهی قابل قبول نیست و بی‌تردید مسئولیت همه مردان ایرانی هم در این باره باید در نظر گرفته شود.